فهرست

[مقدمه 2](#_Toc119839818)

[مبحث پنجم 6](#_Toc119839819)

[احتمال اول 6](#_Toc119839820)

[احتمال دوم 7](#_Toc119839821)

[احتمال سوم 7](#_Toc119839822)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / نکاح

# مقدمه

بحث در دلیل اولی بود که برای جواز نظر به محارم شده بود اولین دلیل عبارت بود از آیه 31 سوره نور:

**﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾**[[1]](#footnote-1)

در این آیه نکاتی بود که عرض کردیم و رسیدیم به بحث چهارم که عبارت بود از مراد از زینت در آیه چیست؟ آیه می‌فرماید **﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ﴾**. اولین احتمال در معنی زینت در آیه شریفه این بود که مراد زینت‌های ساخت بشری و منصوبه است و برای آن شواهدی بود که عبارت بود که شاید ادعای تبادر بشود از زینت نسبت به این معنا و در روایات هم زینت تطبیق داده‌شده بود بر زینت‌های ظاهری و منصوبه و دست‌ساخت بشر. احتمال دوم این بود که مقصود از زینت عبارت باشد از اعضای بدن زن باشد و مواضع زینت باشد جایی که زینت در آن نصب می‌شود. احتمال سوم جمع بین دو معنا بود که کسی بگوید در **﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ﴾** مقصود هردو است هم‌زمان واژه زینت هم زینت‌های مصنوعی و ساختگی بشر که بر اندام زن نصب می‌شود استعمال شود و هم زینت طبیعی که عبارت از اندام و اعضا باشد را در بربگیرد پس از بیان این سه احتمال عرض کردیم که احتمال سوم ازلحاظ فنی چند تصویر دارد یکی این‌که زینت معنای عام مشترکی داشته باشد که هر دو را بگیرد ما یتزینُ به اعم از مایتزین به طبیعی و غیرطبیعی است و معنای عام مشترک به نحو مشترک معنوی استعمال شود دو این‌که مشترک لفظی باشد که زینت دو معنا داشته باشد یک معنای زینت، زینت مصنوعی و ساختگی است و معنای دیگر آن زینت طبیعی است که عبارت از خود اندام باشد مشترک لفظی است و با قرائنی لفظ در هر دو معنا به‌کاررفته است تصویر سوم این بود که یکی از این دو معنای حقیقی باشد و دیگری معنای مجازی باشد و حقیقی را طبیعی بگیریم یا حقیقی را مصنوعی بگیریم و نقطه مقابل معنای مجازی باشد ولی لفظ در دو معنای حقیقی و مجازی هم‌زمان به‌کاررفته است با قرینه‌ای که همان روایات است که بر هردو تطبیق داده‌شده است و تصویر چهارم این بود که لفظ دریکی از این دو، مصنوعی یا طبیعی، به نحو مدلول مطابقی به‌کاررفته است ولی دیگری به نحو ملازمه داخل در مفهومم آیه است آیه می‌فرماید روی فرض این‌که بگوییم متبادر از زینت، زینت ساختگی باشد، آیه می‌فرماید زینت ساختگی و منصوبه بر اندام اظهار نشود به ملازمه به الغای خصوصیت به تنقیح مناط حتماً اعضا را هم می‌گیرد و درجایی که می‌گوید ابداء جایز است به این معنا است که محل نصب هم می‌گیرد در این تصویر چهارم لفظ دریکی از این دو معنا استعمال شده است به نحو حقیقت و مراد استعمالی همان است ولی با ملازمه دارد بامعنای دیگری به نحو ملازمه التزامی یا فراتر از آن به نحو ملازمه.

در میان این تصاویر آنچه من نوشتم این است که الاظهر اول و در صورت تردید چهارمی قابل‌قبول است با این بیان که در آن سه احتمال با توجه به روایاتی که در تفسیر آیه آمده است باید بگوییم هر دو زینت داخل در مدلول آیه شریفه است در روایت فضیل که معتبره است به‌راحتی گفته‌شده است که ذراعین جزء زینت است البته از این روایت نمی‌شود استفاده کرد که معنای حقیقی این هست یا استعمال فقط در معنای اندام و مواضع زینت شده است که امام در آن تطبیق می‌دهد آنچه فهمیده می‌شود این است که این مصداق در این مضمون ورود دارد اما شکل آن به چه صورت است در روایت نیامده است شاید اشعاری داشته باشد که در معنای حقیقی دخالت داشته باشد ولی در حد اشعار است. آنچه امام می‌فرماید این است که لایبدین شامل این هم می‌شود به نحو معنای حقیقی یا مجازی یا استعمال در اکثر از معنا به نحو دلالت مطابقی یا تضمنی یا التزامی. آنچه از بیان امام فهمیده می‌شود این است که زینت در آیه شامل این هم می‌شود اما این‌که چگونه شامل می‌شود از روایت چیزی فهمیده نمی‌شود البته اشعاری وجود دارد ولی دلالتی در آیه نیست جز این‌که این هم مشمول آیه شریفه است.

بنابراین چرا میگوییم در اینجا زینت مصنوعی و بشری و زینت طبیعی و خود اندام و مواضع را می‌گیرد به این دلیل است که در دو طایفه روایات اگر دقت شود می‌بینیم که هم آن‌ها را مشمول در آیه قرار داده‌اند هم اندام و مواضع زینت را داخل در مضمون آیه دانسته‌اند روایت فضیل که معتبره است می‌گوید ذراعین و خود اندام از زینت است روایت اول باب 109 که دیروز ارجاع دادیم روایات دیگر هم در مستدرک و وسائل که سه چهارتا بود زینت را بر زینت ظاهری مثل گردنبند و امثال این تطبیق داده‌اند این دو طایفه روایات تعارضی ندارند مثبتین‌اند طایفه اول می‌گوید آن‌ها از زینت است طایفه دوم هم می‌گوید زینت ظاهری هم زینت است آن‌ها قابل جمع است و جمع آن به این نیست که مشترک لفظی یا استعمال در دو معنا یا معنای حقیقی و مجازی باشد ظاهر این است که معنایی دارد که آن معنا هم زینت‌های مصنوعی و ساختگی بشر را می‌گیرد و هم آنچه زینت طبیعی است می‌گیرد و واقعاً همگی زینت است بنابراین دلیل ما بر ترجیح احتمال سوم و تصویر اول از احتمال سوم این است که عرض کردیم. احتمال سوم این بود که هر دو نوع از زینت داخل در آیه است و تصویر اول این بود که به نحو مشترک معنوی و معنای واحدی که هردو را می‌گیرد شمول دارد و دلیل این است که لغت را نگاه کنیم می‌بینیم که زینت یک معنایی دارد که کاملاً به نحو مشترک معنوی می‌تواند هر دو را بگیرد و هردو هم استعمال شده است هم در قرآن و هم در روایات و ازلحاظ قرائن روایی هم دو طایفه روایت داشتیم روایاتی که زینت را بر اندام تطبیق داده‌اند مثل روایت فضیل و روایاتی که زینت را تطبیق داده‌اند بر زینت‌های ساختگی.

روایت اول از باب 109 که روایت فضیل بود

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنِ الْفُضَيْلِ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الذِّرَاعَيْنِ مِنَ الْمَرْأَةِ هُمَا مِنَ الزِّينَةِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ‏ **﴿وَ لايُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَ﴾**‏ قَالَ نَعَمْ وَ مَا دُونَ الْخِمَارِ مِنَ الزِّينَةِ وَ مَا دُونَ السِّوَارَيْنِ».[[2]](#footnote-2)

و در روایت سوم می‌فرماید:

وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع‏ «فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ‏ **﴿إِلَّا ما ظَهَرَ مِنْها﴾** قَالَ الزِّينَةُ الظَّاهِرَةُ الْكُحْلُ‏ وَ الْخَاتَمُ‏».[[3]](#footnote-3) سرمه و انگشتر .

در روایت دیگر می‌فرماید:

وَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ‏ **﴿وَ لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا ما ظَهَرَ مِنْها﴾** قَالَ الْخَاتَمُ وَ الْمَسَكَةُ وَ هِيَ الْقُلْبُ».[[4]](#footnote-4)‏

پنجم هم دارد:

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ قَالَ «سَمِعْتُ جَعْفَراً وَ سُئِلَ عَمَّا تُظْهِرُ الْمَرْأَةُ مِنْ زِينَتِهَا قَالَ الْوَجْهَ وَ الْكَفَّيْنِ».[[5]](#footnote-5)

روایت اول و پنجم زینت را بر اعضا و اندام تطبیق داده است یکی ذراعین آورده است و یکی وجه و کفین و در روایت سه و چهار زینت را بر زینت ساخت بشر تطبیق داده است در مستمسک هم دو طایفه روایت وجود دارد روایت اول مستمسک از محاسن دارد الا ما ظهر منها الوجه و الذراعان و در روایت دو می‌فرماید الکحل و الخاتم، الکحل و المسکة، و در روایت سوم هر دو را می‌فرماید در روایت ابی جارود. ازاین‌جهت روایاتی که در وسائل و مستدرک آمده است علی طائفتین هستند یک طایفه می‌گوید زینت، زینت ساخت بشری و یک طایفه هم می‌گوید زینت وجه و کفین و ذراعین زینت است این‌ها در مقام بیان استعمال لغوی نیستند که بگوید کدام حقیقت و مجاز است و ثانیاً در مقام حصر هم نیستند با توجه به این دو نکته ‌این‌ها جمع می‌شود که هردو معنا را می‌گیرد و با توجه به معنای لغوی که می‌تواند مشترک معنوی باشد میگوییم احتمال سوم و تصویر اول از احتمال سوم.

سؤال: در بحث زینت، زینت استعمال لغت برای ساخت بشری واضح است ولی برای زنی که هیچ زینتی ندارد کسی نمی‌گوید زینت دارد می‌گوید جمال دارد.

جواب: دیروز عرض کردیم که زینَ الایمان لهم ایمان را جز ذات شخص است خود ایمان را برای آن‌ها قشنگ نشان داد و چشم و ابرو می‌شود زینتی برای انسان تفکیک آنچه زینت است برای زینت و متزین گاهی تفکیک خارجی انضمامی است گاهی با تحلیلی می‌گوید استعمال دارد.

سؤال: راغب هم زینت را سه قسم می‌کند علم و طول قامه و...

جواب: گاهی زینت با متزین دو وجود دارند گاهی هم یکی است ولی با اعتبار یکی زینت برای دیگری است.

سؤال: معنای سوم با آیه اول تنافی پیدا نمی‌کند؟ وقتی می‌گوید لایبدین الا ما ظهر منها اگر زینت منصوبه هم بگیرد یعنی زن می‌تواند صورتش را آرایش کند و بیرون برود؟ این با ارتکازات ما سازگار نیست.

جواب: در حد آنچه متعارف بوده است که کحل و امثال این‌ها باید دید بالاخره آیه می‌فرماید الا ما ظهر منها شکی نیست که الا ظهر منها زینت ظاهری را می‌گیرد. چند روایت صریح می‌گوید خاتم و سرمه.

سؤال: این روایتی که مورد استناد قرار گرفت اگر کسی این را قبول نداشته باشد مثل آقای خویی که به ستر وجه و کفین عقیده دارد نمی‌تواند به این روایت عمل کند.

جواب: بله بحث‌های آن در جای خودش.

سؤال: از جهتی که عمل نمی‌کند می‌تواند وارد بحث می‌شود؟

جواب: این هم نکته‌ای است که به این‌ها قابل استناد هست برای این‌که شمول لغوی لفظ نسبت به معنا نیاز به تصحیح سند ندارد سند هم صحیح نباشد معلوم می‌شود که در عرب استعمال شده است و همین کافی است.

سؤال: پس فقط دلیل اول می‌ماند چون دو دلیل بود یکی شمول لغوی یکی هم روایت.

جواب: استناد ما به روایات گاهی از راه تصحیح سند و تصحیح روایت است که استعمال قوی‌تر است گاهی هم معلوم می‌شود در لغت استعمال متعارف است و چیزی نیست که عرب‌زبان آن را نپذیرد و ازلحاظ لغوی هم‌معنای دارد که در هر دو استعمال می‌شود شاید اولی معنای اول باشد اگر هم آن را قبول نکند تصویر چهارم اولی است. طبیعی است که کسی این‌طور بگوید که استعمال زینت تبادر به ذهن همان زینت‌های ساختگی است که مخصوصاً درروی‌ات بیشتر این استعمال شده است در روایات غالباً زینت دست‌ساز بشر مراد است در این روایات و کسی بگوید مفهوم زینت همین است ولی وقتی دقت می‌کنیم می‌بینیم وقتی می‌گوید انگشتر و سرمه و چیزهای مکشوف را می‌تواند نشان دهد حتماً جایی که نصب‌شده است را هم می‌تواند نشان دهد ملازمه عقلی ندارد ولی ملازمه عرفیه دارد که به دلالت التزامی یا اگر می‌گوید نشان نده می‌تواند شامل فحوا هم باشد وقتی می‌گوید زینتی که روی سینه نصب‌شده است را نشان نده به‌طریق‌اولی سینه را نباید نشان دهد. در طرف جواز دلالت التزامی ضعیف‌تر است در جای عدم جواز ابداء دلالت التزامی قوی‌تر است بلکه ممکن است فحوا باشد.

سؤال: این‌که میگویید انگشتر را نشان دهد مقصود وقتی است که نصب‌شده باشد؟

جواب: بله مقصود زینت منصوب است. وقتی منصوبه باشد زینت است والا بالقوه زینت است زینت برای چیزی که باشد زینت می‌شود.

از شواهد خود آیه هم می‌شود این را پیدا کرد که هردو را می‌گیرد که استشهادی و اشعاری است که به این‌ها خیلی نمی‌پردازم. ولی کسی که آیات را به ترتیب بخواند می‌فهمد که زینت می‌تواند هر دو را بگیرد به گمانم ترکیب و استعمالات قوی و دو طایفه روایاتی که در این بحث واردشده است به‌خوبی نتیجه می‌گیریم که احتمال سوم درست است و تصویر اول یا چهارم هم اولی و اظهر است. و این حاصل کلام است و ازاین‌جهت گام بزرگی برای استدلال به آیه برداشته شد. آیه می‌فرماید لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ یعنی مواضع زینت و زینت‌های منصوبه را نشان ندهد الا برای این طوایف محارم. یعنی برای محارم ابداء زینت اعم از زینت‌ها دست‌ساخته و منصوبه و خود اندام جایز است و هر دو را می‌گیرد و بحث ما هم در جواز نظر به محارم بود و این آیه فی‌الجمله دلالت می‌کند.

# مبحث پنجم

بعدازاین مبحث پنجم این است که وقتی زینت، زینت‌های منصوبه و دست‌ساخت را گرفت و هم خود اعضا و اندام را گرفت دایره نطاق این دلالت تا چه حد است آیا همه اعضا را می‌گیرد یا همه بعضی از اعضا. پس از این‌که در مبحث چهارم که اثبات کردیم که زینت شامل اعضا و اندام زن هم می‌شود و در محارم جواز نظر هم استفاده شد سؤال می‌شود که زینت دایره معنایی آن تا چه اندازه است؟ همه اعضا یا برخی از اعضا را می‌گیرد.

در بحث‌های قبلی همگی مقدماتی بود که ما را به این می‌رساند که آیه دلیل بحث است اما مبحث پنجم میزان دلالت و دایره دلالت روایت در اندام زن چه در جواز و چه در عدم جواز مشخص کنیم. در اینجا هم لااقل سه احتمال وجود دارد:

## احتمال اول

احتمال اول این است که مقصود از زینتهن که اندام زن را می‌گیرد همه اعضای بدن زن باشد چه در طرف مستثنی و چه در طرف مستثنی‌منه. کل اعضا را به محارم نشان ندهد و نسبت به محارم جواز دارد و منتها در محارم یک‌قسمتی است که به دلالت واضحه و قرائن واضحه لبیه استثنا دارد در غیر ازواج عورت قطعاً ارتکازات مانع است اما لفظ آیه بادء امر و ظهور آن شامل همه اندام می‌شود **﴿لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾** برای هیچ‌کس که اگر این باشد از آن دسته روایاتی باشد که در وجه و کفین جز طایفه‌ای می‌شود که می‌گوید نمی‌توان نگاه کرد چون **﴿لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾** بنابر احتمال اول شامل همه اعضا می‌شود ازجمله وجه کفین.

سؤال: ...

جواب: نسبت به قواعد من النساء قواعد خاص داریم که مستثنی هستند و بچه‌ها هم بیرون می‌روند چون دلیل خاص داریم.

برای احتمال اول شاهدی که می‌تواند اقامه کرد در روایاتی که جسد زن به‌طورکلی زینت است همان‌طور که در روایاتی آمده است که کل جسد زن عورت است درجایی هم آمده است جسد زن کلش زینت است این روایت ابی جارود است که سندش خالی از اشکال نیست این در مستدرک در ذیل باب 109 از مقدمات نکاح حدیث سوم می‌فرماید:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي تَفْسِيرِهِ، وَ فِي رِوَايَةِ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع: «فِي قَوْلِهِ‏**﴿وَ لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا ما ظَهَرَ مِنْها﴾** فَهِيَ الثِّيَابُ‏ وَ الْكُحْلُ‏ وَ الْخَاتَمُ‏ وَ خِضَابُ الْكَفِّ وَ السِّوَارُ وَ الزِّينَةُ ثَلَاثٌ زِينَةٌ لِلنَّاسِ وَ زِينَةٌ لِلْمَحْرَمِ وَ زِينَةٌ لِلزَّوْجِ فَأَمَّا زِينَةُ النَّاسِ فَقَدْ ذَكَرْنَاهُ وَ أَمَّا زِينَةُ الْمَحْرَمِ فَمَوْضِعُ الْقِلَادَةِ فَمَا فَوْقَهَا وَ الدُّمْلُجِ‏ وَ مَا دُونَهُ وَ الْخَلْخَالُ وَ مَا أَسْفَلَ مِنْهُ وَ أَمَّا زِينَةُ الزَّوْجِ فَالْجَسَدُ كُلُّهُ».[[6]](#footnote-6)

در آخر می‌فرماید «أَمَّا زِينَةُ الزَّوْجِ فَالْجَسَدُ كُلُّهُ» البته این را برای زوج می‌گوید ولی بالاخره به نحوی می‌گوید همه بدن زینت است. این احتمال اول گرچه شاهد مختصری به شکلی که در روایت ابی جارود عرض کردم هست ولی نمی‌شود خیلی به آن اعتماد کرد به این دلیل که در اینجا که می‌گوید جسد مرأة زینت است برای زوج زینت است ولی این‌که جسد او همه‌اش زینت باشد به نحو مطلق این نیامده است ضمن این‌که روایت هم ضعفی دارد و لذا علی‌رغم این‌که اشعاری وجود دارد و بی‌شاهد هم نیست ولی اعتماد به این‌که زینتهن در اینجا شامل همه اعضا می‌شود دشوار است.

سؤال: ...

جواب: زینت محرم «وَ أَمَّا زِينَةُ الْمَحْرَمِ فَمَوْضِعُ الْقِلَادَةِ فَمَا فَوْقَهَا وَ الدُّمْلُجِ‏ وَ مَا دُونَهُ وَ الْخَلْخَالُ وَ مَا أَسْفَلَ مِنْهُ» است.

## احتمال دوم

بگوییم مراد از زینت عمده اعضا و اندام زن است که در آن جمالی وجود دارد به نحو عادی و متعارف و موی سر، سینه و... ولی پشت بدن زینت باشد خیلی اعتبار با آن سازگار نیست زینت مفهوم عرفی دارد و زینت طبیعی را هم شامل شد و زینت طبیعی مجموعه‌ای از اعضا است که اکثر اعضا را می‌گیرد صورت، سینه، مو، ران و... . این هم ممکن است کسی بگوید مقصود است از باب تبادر ارتکازات.

## احتمال سوم

این احتمال محدودتر است مراد از زینت که تطبیق بر اندام داده‌شده است همان مواضعی باشد که زینت بر آن‌ها نصب می‌شود دقیقه مواضع الزینة باشد که در تعبیر قرآن آمده است مواضع الزینة. جاهایی که زینتی نصب می‌شود مواضع زینت دو قسم است زینت ظاهری و باطنی مواضع زینت چشم و گوش و امثال این‌ها است. و بازو و مچ و ساق پا مواضعی است که زینت به آن‌ها وصل می‌شده و متعارف بوده است. علاوه بر این‌که شاهدی دارد که همین نسبت زینت ظاهری با زینت طبیعی باشد چون ما از زینت منصوبه به مواضع منتقل می‌شود مخصوصاً در تصویر چهارم که مدلول زینت‌های بشری است منتها از آن به زینت‌های طبیعی منتقل می‌شدیم که همان‌جایی است که زینت نصب می‌شود نه غیر آن با این ترتیب می‌توان بر احتمال سوم استشهاد کرد که چون ظاهر آیه زینت بشری و مصنوعی بود و ما از آن به اندام منتقل شدیم ازاین‌جهت همان محدوده‌ای که زینت‌های بشری منصوب می‌شود می‌توان به همان مواضع منتقل شد نه بیشتر و در روایات هم بیش از در خیلی از روایات نیست در بعضی روایات دارد وجه و ذراعین و در بعضی روایات می‌گوید موضع القلاده و مافوقها و دملج که بازوبند است و خلخال که به پا می‌بندند. مواضع معینی را تعیین کرده است که همان مواضع زینت است.

سؤال: عطر زدن زینت نیست؟

جواب: نه عطر زینت نیست

سؤال: این‌ها مسائل فقهی آن زمان است یا این زمان هم مطرح است؟

جواب: باید قضیه خارجیه و حقیقیه است را باید صحبت کنیم و سؤال شما به این برمی‌گردد که قضیه خارجیه است یا حقیقیه اگر بگوییم زینت مکشوفه مقصود است ممکن است بعضی از این آرایش‌های امروز داخل آن نباشد و اگر حقیقیه باشد شامل این‌ها هم می‌شود.

این سه احتمالی بود که اینجا وجود دارد البته اگر احتمال سوم باشد که مواضع زینت است دایره دلالت اوسع است از آن با تنقیح مناط و فحوا ولی نه در حدی که کل بدن را بگیرد. اگر بگوییم زینت عبارت است از همین‌جایی که زینت منصوب می‌شود در طرف مستثنی‌منه می‌گوید این زینت‌های و مواضع زینت را نشان ندهد جز ماظهر منها به‌طریق‌اولی ران و عورت را می‌گیرد اگر زینت در محدوده متعارف‌تری ممنوع کرد حتماً عورت و بخش‌های حساس‌تر اندام را هم می‌گیرد و لذا علی‌رغم مدلول مطابقی در مستثنی‌منه همین مواضع منصوب زینت است مواضع حساس‌تر هم می‌گیرد به‌طریق‌اولی در طرف مستثنی این برعکس است درجایی که می‌گوید می‌تواند نشان دهد درجایی که اخف معونه است می‌تواند نشان دهد ولی جواز به سمت چیزهای حساس‌تر نمی‌رود نه به تنقیح مناط نه به فحوا. این تفاوت تنقیح مناط و فحوا در مستثنی‌منه که عدم جواز نظر است و در مستثنی جواز نظر هست وجود دارد یعنی چیزی که می‌گوید نمی‌شود به اندام‌ها نگاه کرد به‌طریق‌اولی به اندام حساس‌تر نمی‌شود نگاه کرد و درجایی که می‌گوید می‌شود نگاه کرد آن اعضایی کمتر پوشانده می‌شود می‌تواند نشان داد اما آنچه حساس‌تر است طبعاً نمی‌شود با فحوا و تنقیح مناط آن را بگیرد.

سؤال: ...

جواب: ما روی احتمال سوم این را میگوییم ممکن است بگوییم زینت همه این‌ها را می‌گیرد.

سؤال: درهمان احتمال سوم موضع زینت‌های باطن می‌شود کل بدن

جواب: این همان احتمال اول است.

سؤال: از زینت ظاهری که سیاق باشد موضع آن فقط مواضع حساس است

جواب: این مبنایی است که مفهوم زینت یعنی زینت‌های بشری که به ملازمه به اندام هم سرایت می‌دهیم که همان تصور چهارم است.

سؤال: ایشان سیاق را میگویند.

جواب: این شاهد بر این است که همان حرف اول را بزنیم و بگوییم سیاق برای زن کلاً زینت است. یکی از شواهدی که می‌شود برای آن می‌توان آورد شاید این باشد.

1. سوره نور، آیه 31. [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج20، ص200، أبواب أبواب مقدّمات النكاح وآدابه، باب109، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/20/200/الذراعين) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج20، ص201، أبواب أبواب مقدّمات النكاح وآدابه، باب09، ح3، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/20/201/الظاهرة) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج20، ص201، أبواب أبواب مقدّمات النكاح وآدابه، باب109، ح4، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/20/201/والمسكة) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج20، ص202، أبواب أبواب مقدّمات النكاح وآدابه، باب109، ح5، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/20/202/تظهر) [↑](#footnote-ref-5)
6. [بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسي، ج101، ص33.](http://lib.eshia.ir/71860/101/33/فالجسد) [↑](#footnote-ref-6)